

کوردستان

لارو که ره و هی بیری حزبی دینه و کرآنی کورد سنتا

٦٧

چوار شنبه ۸ زمستان ۱۳۹۴

۲۰۰ زبان

۳۷ - فوریه ۱۹۴۶

جیئرٹنی ۲۸ سالہی ھورڈوی سسپور (ھزار)

بینندگان آستان چهاردهم پیروزی و آزادی خود را مجامعت و روزی را می‌دانند که آن را آزادگان و شکرانه‌ها می‌نامند. از آن‌جا که این روزی همچنانی باشد که ایرانیان در آن می‌باشند، این روز را روز ایرانی می‌نامند. این روزی همچنانی باشد که ایرانیان در آن می‌باشند، این روز را روز ایرانی می‌نامند.

لایهان توسری همچو ازمه همه به مشکلی بهینه
 (جو تیری به مسخر) آنرا به جوانانی دامغانی اندی
 هور دوری سوزد خلوتند مردین ای خلوش و سوت
 علی خسروی و دسترنیکی بقیه لایهانی هور دوری
 سور، و همین دنیا مشکلی بدشتی (شکری سورون)
 به نظری خاطر ان گهیاند و پر ای بدر و سادیق
 خود ری و دسترنیکی بعزم خوا کوکوئی ایوب ۱۵۴

آزادی بوده و کلی چیز کولاو ازی سفر هر روز
نمی تاند و مکه هم بود که من نام روزه دادم یکا
بچیز نو کورد بیش جیره نی گرت .

مانکی رعشه هم‌وسالی خوش را دربری، مزگینی خوشی سازار دین، هنرمندی که عین هنری نموده توعلان و مزجی سازاری سلطنتی دعمویشی، گلایو گز دزمیز ووه، هزار لی قه‌ماوایی

روزی ۶ رممه مهی هموال کل همانی به اینی
را کانگی حزب دیو کاری کورهستان چون
جوانه و از این بوده و نهی بستوانی خوشبوست
بیوه تیمکی گوهه زن یعنی مرانی پژوه کانی
هلاوسرا او دهدروشانه نکی مزیک و کمره
ووشک صوفی و سه ما ده خست بیوش هد رگ
خوب شیر نه کان لعچوار ری باشی هر دو لک قامدن
بعجه غزی دموده مسایابون قوتایه کان که هومیدی
دوواروزی کوردن لای راسته بدریکوییکی
را کنگابون نیزکی دهدزار کس خن نکی
شاری ولاوه کچ وزن و لاوه هنل و بیسر و مله
کله ده بزمی و ان گو سینه و .

ر ک زهره بدر بر راه روجک و پنی هفت خلو شویان همه نمده من و ده برو
نه بدمو، لحمدولله علیک گیان به بدر لمع خدا و حشائش کسی خسوان
بینه دوری باشی میان داو هوای آزاد همان میز هم می
گکس سرگرمی خوشی خواره ای بپرمه شعبانیش همه رسید
لبی فوی هسایه دارو بدر و جیلو هدردی مرد و زن زندگه کاتون
او مدت ده کار سرما به درست ده کا، یاوا به خوبی بنه ل خلو
سماده کووی و دنی خلوث، خو نه خوازه مانکسی رهسته دیدی
نوروزی در مشان پوئمه سی روی، و دیبلسان یوتورز کاری
آذربایجان به کچاره، نیکه هار ایمه له آزاری به مشان چیه به لکی
مو دیلو زمیونه کانی سدر زمودی همورو ده مددلی آذربایجانه
که: بوی پله مویی مردووه و دهست بیومندیشی له یانه لاولاده
مه جیانه شادانه، همدویان سرمه که ما کوچمه هایی شه آزاری

بیشواری خوش و بست ام تیور استاداوم لاماند
لعنیو تمسینه کاندا چنی نواند روی کر دخنلک
که لغایت شنیده شد و دفعه داشتند

کچھ موسوی گلی زمبوں باومشیان یو گرد و توه و لاخو شیان گھنک
ن اور دودوی سوہرہ ۔

مانگی روشمه می ۱۳۴۲ ای مواسی آیده برا اینبری کر دده که
مانگی فوری ۹۶ که ۲۸ می سالی به روح مسیانی هور داد
سروره ۲۸ سال امدادیت تسبیح نعم خود را می جلباند
بخوبی گرد، باش و می لذتیز دستی هاموسیایه کسی زانا
بامشواری و لذت سالیان آموز گزی کر باخداهات، بان
که منزه، چه نکته شیری آزادی گزوره کسرا بومه

ماوهی ۱۹ جیزائی سریہ خوبی لہادار دی ۰۰

ماوهی خطبای آخاهی هاشم خلیل زاده
چاچانزه و مهندی (آردمو) دامغانی ای به گردهونه که نهش و نه لبوزدرا
ستدا یارمه لاملاز ده کوی و بیسلاوی خودانی
میزور دیت ز لهبی خدمده قشقی و به گلک خوش چندی
پاهنادار و برد خیزمه لانیکی واکرمه بیده اگول
ناکن و رسندوناته ومه گهانه به که ترا ده اهزیرین
وستا کوکاوانان زایی یارانه گورجو گول دس
کنکه کارو پنهانه دان و لبه هیچ بر هه لیسیک
هدپشیوانی خواهی هاوتا و بارمه نه پیشوای بدرز
روم و سگر نه مهالله مردن و سکان باری سعدی فرموده
کوکمه ملیین چونکو مر

ریاضیات

روشنی خدمه‌های اندیشه سرور
 جیزه‌یه بارز و زمان‌مند و سویل
 آشکه‌ی روزی مداده هزارو
 نه کولاو کوهی کوهی کورد هاده هزارو
 دامنی گر تونه گیرکش کوره کوره
 رین و جوان حسروه کو غلامان و سور
 بارزی بارزی کوکه بیانی کوکه
 بارزی دوستی خسروی همانرو
 هنکر اوم زده‌لائی کوره دان
 بیرونی جوانی: سین و گاکس و سور
 خسی شیبو اوه بدرشانه اکن،
 دوزمی خیلکازلی هل می‌ستور
 ماوه له‌لایه‌تری

اگر نفع عالم پیغمبر زجای
بزرگی که نظر
سیونکو ته اوای مخلوق یانی انسان و
جاریات بید دویا بند و جار: همانطور
خوش باشد مرد اگر دویا بند است.
و همچو این که مودن له که
در کایل یا سویی ندایلکی چنان
لایلکو چیلکی زور دل به دویا
مشن بازیر لکی در دن سی پیش شد. کور دن
له کن وی هر رومایه که هر کامان و
ویتویه لیتیونان حمله کری چه جور بر
بریست وقتی همان دویا.

زانايانى كورى

(م) لانا خاںد کور دی شارہ زیری

Journal of Clinical Anesthesia

ماودی چلو نه تی قوتا بخانه می سه لاویز

مودهند و سوسن، همان‌درین پیغمبر دست‌بند
خیریکی فربونی زمانی هدیتی دوسی بون
امواج دا کلر خمن ملائش ماموئان دهیسی
روپوش مکنیک دریکیان بو کفرزون اویه‌هی
بنی سکنه نهاده، نه و نه تراستکانی که‌دانزون
جهولان، دهدا وز اذتر خبرمک بون خوبان بیست
دهشت لهدوس، که‌دانزدا :

۱ جایل گیلان ۲ محمود تالپری ۳ محمدصادقی
۴ سید شکری ۵ محمدابن کوری گوره ۶ قاتا
سم خسروی ۷ خجال گذانی بون ،
که گردوهی و انهی لهر چالوی گهایلک لمه
دانشمنانی گهاره که کانی شازده روزه دیره مو
لهمه دهن .

۱- علیلی افغانستانی ۲- سید اسماعیلی قزوینی ۳- یونسی اوری ۴- مام احمد غایبی بیون اسرار ویزیتی ۵- یونسی کرمانی ووسن ۶- جعیدی امیری فضاحت پالانه کی مولانا خالد الدا جباری صیدیکی سعید احمدزاده کمسرداری کیکیان تمثیریه :

پیغمبر و زه

اداره موسیقی روزنامه کشورستان

۲۵۰ کله آسمانی کور دستان و ده ر سن و تو

در پسی سوم و محرف نهادنی جماعت یاد
باد هزار کیادی عرض دستگذین وله خود

که از این دستواری خاصیت دارد.

مطریت ته‌هواوی جسمانیت (یوهود) مهابا خضر دایوند

卷之三

- لایه‌ری ۱ دیری ۳: ۲۰
کانه‌نوا کت سدی: ۲۰

1

بر این و باید متنی اگه کانی حزب دیموکرات که
بستان روزنامه‌یان بوقار در او و بولیان نهاده؛ تی
اگه من که با دویچ آلمانیان می‌باشم

حزب دیموکرات کوردستان رونویس

اداره‌ی روزنامه‌ی کوردستان

از پرسنی و عادت‌گیرانه خود را می‌شود خدکش

لر و لر تاسیمه هستند تهدن ترقیان پیدا ایستادش هم و چه آن

از میده بیو گلاب زور گل مدر شکنده چون کوچشمان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

ونکو سال نزدیک به آخریه رجاید و شدیدن لهم مرض و عذاب

نوجہی کا دل بلطفہ مون و وجدہ لا جاری کی تعداد لائے

سیده بازی داده شده است. موسی بازیان - حسن بازیان از این

مکالمہ ملکیت اسلامی - سید علی و بحیرہ حسینی و مولانا

این میثاب و دری و دماغه و دوباره در خودش توهی شیخانی
دوشادوستی و نوحه دلواهایمانی شویداده کار شیخ و افق
تجددی های سیاستی فناوری مولانا روزانه جمهوری اسلامی یکی
بهره داده اند این کشور را بسیاری کیکیان متمیر شده بوده:
علماء العالم اسلامی سوزه شدخت علی الاعلام والاطباء
له بدری و مهندسی کیزی ذوزرا و به زبان وروشنوی آذن به عنین بسو
گه ور و پیچونک شیخ و بلا باد و غران و دکتر بروله مومنی
و نواری جوان شیخی رویان تقدیر کرد. و ائم مسلکی با این
(ایرانیها) ذوزرا که ای خدمتی که همراه این کوتویتکه
دایی بین و مانگانه کی پوشی پیویسته توهی به امداد خواهی کی کرد
و وی : میشتمانه کامنه و نوکر دو و نه که استهونه نور آفرید که دروس
پیموده انجاقوون (سنه) لعلای ایساوی یعنی دنیا وات شیخ و ده قدم
السنوي علمی الکبات و هندسه و حساب و حجوبی و ای از مردم گزی
و اند گزیده سایانی .

و مرید کمودی اسلامی (۱۳۲۱) نهضتی رشاده و
 (۱) تاریخی سلیمانی و مولانی احمدی ترک کرد و دمتوسی
 کوری حسین . (۲) گلزار (۳) تاریخی سایه‌تی و مولانی

دانشتوانی گهده که کاتنی شروع کرد روزه دباری به
لئوپارنی روسن داد.
۱ علیبی افتابی ۲ میدانهایلی قوروشی ۳ یونس
آوردی ۴ هامحمدعلیانی یونس آمدویزی هیرنسی
کسکرمی تشنبلی خربی یهمو کراتنی دا که به
هاتوندا باشی ده کری پهچانی خوبن نواند
[اجابت موی ده این شهودی ۵۶ که لاؤزی ۲۶ داهه سند
پان کر ده بوده گهه ای خه جیکی باشی یوم خماری
قوه باستانه که کاری نهانک نهیت دیازروهه کی به
نوی [سلمان صالح الدینی اویی کسورد] بزونن
له معاورای شازده روزانه که ویباز و میباز ردمان کرد
وله: موی هجتو ۳۰ که لاؤزی ۲۶ داله کارازی
شده خوارشیده دسیکراو درجاون دیوانهان

ومناتی له - تهـنـزـتـرـبـرـدـوـ کـلـیـلـ لـعـدـالـتـ بـدـمـدـ
چـوـکـاـلـوـسـ اـلـنـهـاـلـهـاـخـرـهـ رـجـاهـهـ کـهـنـ لـمـ مـوـشـهـ
داـلـوـچـیـ کـلـمـلـهـمـوـنـ وـوـجـهـاـلـاـ جـارـیـکـیـ عـادـلـهـ
بـرـدـوـ کـانـ دـانـنـ .
سـمـدـ بـایـدـ حـسـنـیـ - مـوـسـیـ بـاـنـ . حـنـ نـاـنـ اـلـزـمـ
مـحـمـدـ حـالـخـ شـقـشـنـدـیـ - سـمـدـ مـجـیدـ حـسـنـیـ وـ
مـحـمـدـ - حـسـنـ رـشـیدـرـاـدـ - حـنـ شـیدـلـوـ
خـفـاقـ - مـحـمـدـ لـمـنـ حـسـنـیـ - حـاجـیـ کـرـمـ خـلـیـلـ
صـالـحـیـ . عـلـیـ عـبـدـ لـهـ زـادـهـ - مـجـیدـ حـسـرـوـیـ
حـاجـیـ لـفـحـ لـهـ تـاصـرـیـ - مـحـمـدـ رـسـولـ قـمـهـلـهـ لـاـلـهـ
حـاجـیـ رـسـوـلـ فـتـحـ الـخـیـاطـ - عـبـدـ الـرـحـمـ کـیـانـ
رـسـوـلـ چـابـیـ - حـاجـیـ رـحـمـ شـیرـیـگـیـ . نـیـانـ بـهـوـدـهـ
اـرـاـهـمـ کـرـیـمـ اـرـاـهـیـشـرـ زـادـهـ - اـرـاـهـمـ حـسـنـیـ
کـرـدـ کـرـ چـاسـینـ - حـاجـیـ مـحـ
داـوـدـ غـنـیـ حـامـیـ مـحـالـ عـلـیـلـ - مـحـمـدـ کـامـلـ
لـطـیـفـ مـازـوـجـیـ - مـحـالـ رـحـلـیـزـیـ - حـسـنـ اـسـکـنـدـرـیـ
حـیـ الـنـیـنـ شـرـبـشـ اـهـدـ وـحـمـنـ اـنـوـاـ .
کـورـدـسـانـ : بـنـوـکـوـ ہـارـاـرـیـ تـوـاوـیـ دـوـبـارـ اوـمـسـتـاوـ
وـدـاهـاتـ گـمـهـدـ ، حـاجـیـ آـغـامـ

لے: ناوجیگای مردنا

در گیراویه (عبدالرحمن ذیمی) مولی الله بن وتن بعلی، بنو کلک را پسکریده که دسته بری ما، و موهی
کلک پیغایه که کران بیرونیزد دسته بری هم نداشتند. این ایامی بجهانیاری بوخوت یک کاهن بهمنی
گذشت: معنی لیک ملائک سر برداخت دشمن فرمیسک
کوکو، مرزا رای سعیر گونای دادن خواهد
گزیان گرام و چند دلدوه فرمیسک درازت
نم بوسیه نه گزی؟ و دوستی لترنی درویز
کرم و ونمه لازما پاله بردا نه دوستی نه انگویو
و نهند اعزامنا قاتم، چونکو هیچ هیزان
گشتن دانه از این میتو تو لیک جوی یکانه
نم تدانیا لدم دوره بونهوده بترس که هر سگ

نه که کاریلاهم به مدستی دلداری یو آند میز ادیکنی، بزی روچیت
شوبیکی پیکاکوه جوونه که تار شتاورکی، آواری و زاره که روروون
و آسان ساو بزو لهو روی هدر یوو و کیلنا تمسیره تشاورکی باش
نه کرد و تهد در موشنده دوو آسانه ده، هشته بدر جاو جیبکای آدو
آسانه لیک نه کرد و ده بوهه ووللا، لات نه جوونین؛ مدنه ک
بوون نه نگوت آرامی و بی دمنگی شو نه دلی احمد داکاری سکر
ییوو امیدر جازل و گواریه شو یوو که ایلومن یانکه هن دیجیرا
لدو که کهدا بدهدنی خزم نوز بی سووک بزو سقاو خوشیکم له کیکانه
دیت بیم و ابوبو که بیهی بیزی فال نه توان برو آسانه ده قرم؛ بیجاو
تن ریشک بوده دی آسانه بدم، بجهه دنیانی بدرزویه و من مادر دوم
نایران من بیشم آدمزدوم بزو و که بیشکه کای آسان زی باش ای
هفتاهی و نه توان خو لهدیرا جاوم آوا بسکن، شعوش روووشک ب

کوردان از بدو تاریخ
تا سال ۱۹۲۰

مکالمہ میں دوں : ۸۰-۷۰

19

رس‌جمهه : سید محمد حیدری
 این واقعه نوایرخ کایدغود دولت‌شتمانی در
 آسیا و سلطان نایمه‌دانو این قبیه تر کیارا و ادار
 کرد که از روی احراز مقام بالازار را بگندتاگر
 این پیروزی نمی‌شد سلطان سلیمان قادر به این
 جیاره نمی‌شد که به مصر لشکر بکند و باشیخ
 فهرمان طومانیای که تاریخ در دلیری مانند اورا
 بخود نمی‌دهد است بجهتگرد و از امیر الدومنین
 خلافت را غصب کند و لقب خلافت‌اسلامی را تایل
 شود. پس از این جنگ که پیروزی در تراپانی
 یافت در اثر کوششه‌ای این داشتند که با سلطان
 اخلاص تمام‌داشت معاذه زیرین امراء کور دستان
 و سام اول منفذ گردید :

۱- اینکہ امراء کو درہ امارت موروثی خود را بر حسب عادات و رسومات قدر یعنی خود ادار کنند و حق تسلیک بیک حکومت مستقل ندانند بلکہ باشند

۲- اینکہ گام دوستی عثمانی با ایسکی دولت ممتازه داخل جنگلشود امراء اکر آزاد اور از وہمیات خود اردوی مستثنی یہ کمال دولت عثمانی پفرستند ۔

۳۴- اینکه هر ساله امراء کورد بیان
بنام خدیجه بجزئه دولت پیرزادند.
در توجه این عذرخواه که بنام خداوندان
بر این نزد پرسید که کوره رسمی شد و از این فارغ
نمودند.

شمن گور چلو به توم روزنا کار
من دیشکی سعورم شهتهو زانایی
له دلم درمناجی آهنو شاهه گفت
شکا به اینبری دوره من بهله گفت

زا، بیک خسته جو در سکی به ایشم
 دنت هبیشت هوش و دل نه کنم آنه بیشم
 شدو خد و عوم بیونه خد بالائی تو
 له دعو مردی ایش و پده سعادتی تو
 چی بکلم له ظالمی تدو چرخه گونه
 زانا سعر شیواو نازارانی چیونه
 ساتی بی خدم نینم له روز گذاری تو
 له بیک هیبتانی گزار و باری تو
 دهستی دیگناتور که همکار همه هم
 له شمسنو طلوعی مهلا دارنم
 نهار بیش گزبر و عوم له بیش و ملا جی
 دو زمن سارمه و تیرین بیو لای قدا جی

دریگاهی سباست هموار و زینک بی
 آوات خوستنی هد و بشم پیانک بی
 ری بندان ببروا رسی هانو چویه
 حیگنا را گویندی لوهه رد بسویه
 به فر اس ایار زیرین له گلخونی بدری
 به چونه پس ازه بجهنمه سده فردی
 بنو چار ردمده رنسی به فرنه کنان
 مرزاوی سدهول نه سدر پیغورد کار
 با خو گویندی آوی گوینانی
 که بونه بندی آوی زستانی
 به پیشگی تراوی بی توی نی تو
 دستانی بعهارت بنشوی نی تمه

یه‌یام بو بای روزه‌هه‌لات

دده‌جی‌ئو خبر از باند!

شدو او

برای روزه‌های بی‌پایان کشیده
گفایت و لام‌های سانده بوسو
کان که دینم زور می‌نماید
له مدن عمه‌جهنم است گرایانه از ای
به آوری مدیعت کوای دله کشم
سین بوده دیبان گلای مکونه کشم
چون من بود خوشم دنیا نم دیسای
زیر دستی و کزی مانی و ذمیانی
دمدی گرانه منوسا خواردن
گهلهک له و وضعه خوشتر مردن
بوت گریام برا نه، گردد خود داری
فرهیسکی سویم به جوت ده باری

راسته کاکه گیلانه نوش هدر گوره دی
 نه نوش و ملا گوره دان هدر شیر معبدی
 له دابردوه کان نوش بدان گهاری
 نوش روله ی گوره دان هه اوی شکاری
 له ری نیشخان خوت ده که کی فیدا
 بیو سار به خوبی سفر و مال و سکرا
 بیو استه قالان زمی و خال و آو
 ورده و یه خسیرت دنبته بیه او
 خنو من دهزانم بیوسته بومان
 نا کو ده تو این هه قول دمین یونان
 خو توش دهزانی برابه کله بعندان
 برای دن اینی روچ اله بده من دا

خوا من ده زمان بیشیسته بسوهان

ناکو ده زمان هول دهین بوتان

خو

توش ده زمان

برای دن بیشی روح الدیده ده دا

ایمه هر دو لارو اله کر رانسین

خلکی کوردستان شیری زیان

له شیری دایکیک سکر نوما هیز

له آوی شهودی کرد و مه باریز

هر دو لارا و مه بعلکو مردن و زین

یال نس و آمازیج به کدل بند دین

توبی پلک زمی کلوی با خبکین

چدر که ههل قریب او شیشه دانیکین

پهرومردی دارمن ده دایکه اهان

که روز گاری تم و سهر که ردان

ده روز بنه په دهن لمه کره گه خوشنان

س در جا و مه حی بوری و شوشنان

کچیکی فدا کار

بر سیاره رمنگی کچه کمی هنگکرا دلی دنسی هایمان رشتهان بزد
حیفی هدیه بلوسوانه نارمه بین چونکو برای کوده هنگکراه
که این بیوه اوانه دلبو که چند ساعت له هومیش نهودی ای روشنون
کچه گه هنگکری ده کرد و مه وین خوشی ده کوتنه که راه ره ربو
شونی و ان بیز اون و مه دویان ده کون و ممکنه ده کار با خوینی : د
په سخنی و اون بی ایمه ره و مه نصیبی گرت که دریو شوپنی پیش هو -
که کانی فرا اسایان بین نهانی لایسان روی دهوان کرد کوتنه آیا
زیگانی هاتچوچی پیش هر گان دهی اهن سواله بکری ؟

امن جوزانه لم کور اهانون و بیو کویه همچون

که کوره که بیان - پلی ریگانی هاتچوچی و اون دهی لهر سو ای بکری

چونکو همین ده زمان گه ته تو له هاتچوچی و اون اطلاعات هدیه و دهن اتی

به کوینه روت وون .

پا خو گرم بیکه آوی گوستانی

که بونه بعنده آوی زستانی

به پیشکی شاوی بی نوی نی توه

دیسان بعابریک بشوی نی ته وه

خا که لبیو بی به طبلی شادی

به رویکی خندان اهیکی زیادی

پرس که لاه لاهه داویشی سحرها

سرخوش بی قومی به گاشتی مزرا

ه لاهه زمرد که دوندی کبیوه کان

خو سوده بشوش گنر بزی هیوه کان

بولیو بی خونچه بیشه جاوش

زمیوی خاشخانش پسکره باوش

که پلار و کوش لاه بن رهوزدا

له بن قولله کان کبیوه بدرز دا

ماوه لزماره ۲۱

ع. مولوی

کچه که - بیعنی بیکه نهاده فرآسنه وهم رشتهان بزد

سنه بمن اجازه نهادا که بیکه که کسوتی وی

سده بیه ایهون جونی برایانو میلسی و ده مهیمه به

ییگانانی بله

که کوره که بیان - چا کمه لالآن کمه حاضر نی ۶۰

بی خوت جو ایهه ده ده بروم مجهورت ده که کون که

بیمان بانی کچه که - نهانه همورویک شه فری

شیعمه بواهه جو انتخت گیری له من کون و اذنم

پدهن ؟

که کوره که بیان - نهچ اتمانه جو ایمان بدمه ده ده

آگهت له خوت بی

ماوه لزماره ۲۱

۳- اینکه هر ساله امراء لورد بمنی

بنام هدیه بمخزانه دولت بین دارند .

در شیوه این عدنهامه که بمنه عقد نهاده است

رباست ترک بر کورد رسی شد والابن تاریخ

ایوان حفت و نهضت بر وی سکوره باز گردید و حکیم

باتسی در شیوه این خدمت یعنی تاخته به آزاد

پادشاهی بیک قمعه شعشیره در صبح و دوازده

هزار دو هزار طلا با اضمام فرمان مستمری تا پل گردید

این عده نهاده در تاریخ آغاز سعادت ترلا و

انتشار قزو نهاده در آسیا و عالم اسلامی است

چنانکه مبدأ سقوط حکومهای کورده و آغاز

بدنهای و مهاب اجهنه ای کوره و کوردهستان

است، برای اینکه تأثیرات سیاسی و تاریخی در

تبیه انتقام کوره دان به سلطان عثمانی داشته شده

شماره امارات مستقله کورده و حدود آنها را

در آیینه از جنبه انتو گرافی (علم فرمی) ذکر

می گردد .

کوردهستان پیش از پیشنهاد سلطان عثمانی

به ۶۰ امارات مستقل مقضی می شد .

و آن شهیار بخششانی که در آن تاریخ توابع

اما رنهای نامبرده بود بشرط زیر است :

دیاریکه ، شارع زور ، سور ، آردیل ، عشقه ،

عاصده ، که کل ، خنک ، حسن ، کیف ۱۶

ماوهی الابدره ۲

۱۵ «دوشیو حسن و کیف تشکل بلکشور » حسن

کیف «کوئی زا می دهند

۷- دروک وزیر مصوبی لامعتراف اش اخراجی بون که بی

باشت افتشا شات امصری داهیزی اسکایی بون که بی
تاوان چوار کامپیننگلکایی هشت نفران و بدیده داده
چند نمری شیان کوژراوه ۹- دولتی هینداد الامه بلاوی
کر دوته و که بوا زوانه اندو نزی به خوده مختاری
ده آما .

رادیویی تاران

۷- سپاهی شیان لپارسی اهیان انکایس و فرانسی لهیابت
وهد درختی هیزی خویان اه سوریه او بنای گفتگو
ده گری :

(آگاداری)

به هوی نهونوسراوه لمسه رتراری گوئیسته
مه رکزی حزبی دیمو کرات کوردستان به ته واوی
مامورینی حکومتی کوردستان و ملت دا ده گه یندروت
هر کس له هدر ممهربکوه به هر نیوی ته نهینک تا
چه ند تمدن بوهه لسودا اندنی کاریکی (جهه قانونی
شرعي و غیره) به رتبای ریشه و بذات و باوره بگری له باش
مموم بون به خاینی ملت و مملکت ده ناسر یو قراری
مجازاتی نهو کسانش له ده سال جبسی هه تا کوشش
(اعدام) تصویب و مقرر کراوه .

کومتیه مه کری حزبی دیمو کرات کوردستان

آ

۸-

-

۶-

۵-

۴-

۳-

۲-

۱-

ماوهی ووشی پیشمه رهه که	کوردراده
سدرخو رووده لغزه بون خدم	کوره زاده
هاتداره منشی آزاره چم بور	کوره زاده
نه بزری و سهه فی به کووی کوره	ریچکه
بسو لغزه بینه چهاندا معهشور	والش
چون لغزه دستی و بخیزی دا	کونه بیش، هرگه
هوله که که منشی سی بانه بور	ههه
کوره کوره داضه بوسه بوزری	زهه
کوره تی کوشی نه گاهیح امور	زهه بیهه آقامه
کچی کوره داضه فیش که	زهه تاهاهه اور
له مانی کات لسپانی بیهه بور	زهه دیهه تریک
خوا مدد کاری ده بکن دوزنه کان	زهه دیهه بردوی
له سبوری و مطانی خوانه دور	زهه دیهه بونه هات
تازه تاپیه بسحاکی والدا	زهه دیهه گیباره
نه بونه و بلوسه بکه چیزی غبور	زهه دیهه دا شه اور
چونکه لایه کسی مانلوماه	زهه دیهه کانه ای
چونکه بو کوره حذاره جاوسور	سر بالی بیش هنگه
هد رسنی تاکه تیه استالین	چان سنه
پادهار بیهه ته بزی هور دوی سور	یه سیه
بر فیدا کاری لعنی کوره دا	دل که
هد بیهه ده ده زینه چیهور	روان که
هادهه لایهه ره ۱	دیده که
ولایان قوایه کاهه و مردیه بانه خوش رایه و	مانع
قویه کان له پیشمه و بیشمده که کان بد دوی	ریشکه داوش او
هواندا زور به ریکوییکی و بچوری	واه مس تور
کی وا که بیاوسه ری سور ده ما چون ده	واه پیهان
ماوهی مان گوکه دا تو اینی یانه بونه بانه بکمن	میدان دیت
و بوریکوییکیه چون فیرون .	میدان تیر
به ری بایش بیشواهی خوش و ستد اهان	سنت
و ده زیه هور بیاوه چه بله ری اینی کی سکه ده و	های خلس
کوردا لمسانی ۱۲ بلاوه کرا .	رامنها
ماوهی لئزماره ۳۱	دیده باقی
	منهله
	دیده دور
	رامیمای
	تأمین در حکمت
	تل نیانه لزون دا
	لیز کسی
	پاریز
	به لامار